بازنده هفتم اکتبر

محمود زارعی
پژوهشگر اقتصادی

تصاویر ارسالی از نوار غزه در چند هفته اخیر نشان‌دهنده حجم توحش و خوی وحشی‌گری صهیونیست‌ها و اربابان غربی و آمریکایی آنها است اما علی‌رغم تلاش صهیونیست‌ها برای سرپوش گذاشتن روی شکست در عملیات طوفان الاقصی از طریق حمله دیوانه‌وار به نوار غزه و بمباران هوایی منازل مسکونی و بیمارستان‌ها، آثار و پیامدهای اقتصادی این عملیات ریشه‌های این رژیم را به لرزه درآورده است.

عملیات طوفان الاقصی از چند بعد موجب شکست و فضاحت امنیتی برای رژیم صهیونیستی شده و آنچه موجب اختلال در سیستم محاسباتی صهیونیست‌ها در مواجهه با محور مقاومت شده آثار و پیامدهای چندجانبه عملیات طوفان الاقصی است. نخست انجام یک عملیات غافلگیرانه توسط بخشی از حماس یعنی گردان‌های عزالدین قسام نشان‌دهنده ضعف رژیم در رویارویی با قدرت‌های بزرگ‌تر مانند حزب‌الله و ایران است. چندصد میلیارد دلاری اسرائیلی که ادعای قدرت منطقه‌ای داشت حالا در برابر گروه کوچکی از مقاومت قفل شده است. غافلگیری رژیم از این عملیات، ابعاد نفوذ و اشراف اطلاعاتی مقاومت در طوفان الاقصی هیمنه اطلاعاتی و توانمندی امنیتی رژیم را برای ایجاد امنیت در سرزمین‌های اشغالی در هم شکسته است و این شکست اطلاعاتی نقطه عطفی است در فرآیند فرسایش و فروپاشی آن، اما بزرگ‌تر از ابعاد شکست امنیتی و اطلاعاتی برای رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی، شکست اقتصادی این رژیم در پی این اقدام است؛ شکستی که آنها را تا مرز جنون پیش برده است و مقامات صهیونیست بارها عنوان کرده‌اند که جنگ غزه حکم مرگ و زندگی برای آنها دارد و تلاش دارند حتی با تلفات سنگین نظامی و غیرنظامی حماس را نابود کنند.

اساسا طرح صلح ابراهیم و عادی‌سازی روابط رژیم با کشورهای عربی به‌خصوص عربستان در پی حوادث چند هفته اخیر به سرنوشتی نامعلوم دچار شده است. فشار افکار عمومی برای قطع روابط سیاسی و اقتصادی رژیم با کشورهای اسلامی افزایش یافته است و این یعنی حفظ تنش در منطقه و متوقف شدن برنامه‌های توسعه اقتصادی رژیم که پیامدهای بسیاری را برای آنها به دنبال خواهد داشت.

پیامد دیگر عملیات طوفان الاقصی توقف پروژه عرب مد است. پس از شکست پروژه دالان تورانی ناتو یعنی عبور کریدور زنگه‌زور از خاک ارمنستان و حذف ایران از کریدورها جهانی، حالا سرنوشت رقیب دیگر کریدور شرق به غرب ایران یعنی عرب مد براساس پیامدهای عملیات طوفان الاقصی نامشخص است و برآوردها نشان می‌دهد این پروژه ممکن است سال‌ها متوقف بماند.

یکی دیگر از برنامه‌های غرب برای بازدارندگی اسرائیل و شکست محور مقاومت، درگیر کردن کشورهای مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی در اقتصاد و زیرساخت رژیم است. سرمایه‌گذاری چین، هند، امارات و سایر کشورها با محوریت بندر حیفا یکی از این اقدامات بود که حالا با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در این رژیم متزلزل شده است.

ماه‌ها کشمکش سیاسی و بحران داخلی باعث خروج سرمایه از این رژیم شده است، اتفاقی که با درهم شکسته شدن امنیت ساختگی اسرائیل شاهد تشدید آن هستیم؛ نشانه اولیه این اتفاق سقوط ارزش شکل و واحد پول صهیونیست‌ها و تلاش دولت جعلی برای حفظ بازار با تزریق ارز است.

سقوط تولید ناخالص داخلی رژیم هم امری حتمی و غیرقابل مدیریت است. فراخوان نیروهای ذخیره به ارتش، تعطیلی واحدهای تولیدی، رکود بازارها به خاطر وحشت صهیونیست‌ها، خروج نیروهای کار خارجی از رژیم و از دست دادن بازار کار فلسطین عواملی است که بر سر تولید ناخالص رژیم سایه افکنده است.

کسری بودجه به خاطر هزینه‌های جنگ و بازسازی شهرک‌ها بلای دیگری است که پایه‌های اقتصادی رژیم را درهم خواهد شکست.

ترس صهیونیست‌ها از سکونت در شهرک‌های نزدیک غزه و مرزهای شمالی و تمایل به مهاجرت به عمق فلسطین اشغالی به خاطر ضعف رژیم در حفظ امنیت شهرک‌نشین‌ها کابوس رژیم در دوران بعد از جنگ خواهد بود که میلیاردها دلار هزینه برای آنها دربرخواهد داشت. از همه اینها گذشته سال‌ها تلاش برای وجه‌سازی و برندینگ صهیونیست‌ها در کشورهای مختلف در اثر وحشی‌گری رژیم در هم شکسته و افزایش انزجار افکار عمومی در بسیاری از کشورها و شنیده شدن زمزمه‌های تحریم کالاهای این رژیم توسط مردم، آینده اقتصادی آنها را سیاه خواهد کرد.

یکی دیگر از ابعاد شکست اقتصادی رژیم در حوزه فناوری اطلاعات است؛ هک سیستم‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در چند هفته اخیر بازار فناوری اطلاعات این رژیم را تحت تاثیر قرار خواهد داد و مشتری محصولات آنها به سمت بازارهای دیگر سوق پیدا خواهند کرد. رژیم هرچقدر هم با بمباران غزه تلاش کند تا ابعاد امنیتی و اطلاعاتی طوفان الاقصی را بپوشاند، اما پیامدهای اقتصادی آن نظیر خروج سرمایه، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش تولید ناخالص داخلی کسری بودجه و... سال‌ها دامن آن را خواهد گرفت.

جنگ غزه باتلاقی برای رژیم صهیونیستی است و هر چقدر آن را ادامه بدهد در آن بیشتر فرو خواهد رفت. به نظر می‌رسد راهبرد مقاومت برای حمله به اقتصاد صهیونیست‌ها با عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای متعدد امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی آن، جان دیگری به آرمان قدس شریف داد و مساله فلسطین را بار دیگر در صدر اخبار جهان قرار داد.

چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۲
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

علی عبدی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

تیر خلاص آنانیموس به زیرساخت‌های نظامی صهیونیست‌ها

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

اخیرا گروه هکری آنانیموس اطلاعاتی از آژانس ملی دیجیتال اسرائیل منتشر کرده است. این البته همه اطلاعاتی نیست که این گروه هکری به آن دست پیدا کرده است. می‌شود گفت تقریبا یکی از بی‌سابقه‌ترین حملات سایبری به زیرساخت‌های نظامی رژیم صهیونیستی مثل شاباک و موساد وارد شده که اطلاعات اصلی آن را در اختیار نیروهای مقاومت قرار داده است. امری که در موفقیت عملیات اخیر حماس به سرزمین‌های اشغالی نیز نقش قابل توجهی داشته است. برای بررسی ابعاد این حمله و ضرباتی که به رژیم صهیونیستی وارد شده با علی عبدی، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

اطلاعات کامل شبکه موساد در دست نیروهای مقاومت

عبدی ابتدا به حمله سایبری که به سورورهای مرکزی نظامی رژیم صهیونیستی شده، اشاره کرد و گفت: «هدف اصلی حمله‌ای که صورت گرفته سه نهاد اصلی نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی بوده است. حمله به ارتش، آمان (سازمان اطلاعات ارتش)، موساد (سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل) و شاباک (سرویس امنیت داخلی اسرائیل)، صورت گرفته است. در واقع یک کلی اطلاعات سورورهای مرکزی هر سه سازمان شامل اطلاعات پرسنلی اسرائیلی‌ها بوده است. برای مثال در ارتش اطلاعات پرسنلی اطلاعات یگان‌های تابع ارتش، اطلاعات فرماندهی‌ها، افسرها و نیروهای کادر وجود داشته است. این اطلاعات حالا کاملا تخلیه شده و در اختیار مقاومت قرار گرفته است. در شاباک هم این اطلاعات شامل اطلاعات پرسنلی کادر رسمی خود سازمان امنیتی به انضمام شبکه منافع و عوایدی که اینها در فلسطین به‌ویژه در کرانه باختری و نوار غزه داشتند، می‌شد. اطلاعات موساد هم به همین نسبت؛ سورورهای مرکزی، اطلاعات پرسنل رسمی سازمان و کلیه شبکه عوامل و منابع آنها در منطقه سرقت شد. می‌توان به ضرس قاطع گفت الان اطلاعات کامل شبکه موساد در منطقه در دست مقاومت است. اتفاق دیگری که رخ داده است، پاک شدن اطلاعات اصلی و بک‌آپ آنهاست. کلیه اطلاعات پس از هک شدن هم از روی سرور مرکزی پاک شده و هم بک‌آپ آنها از بین رفته است. به احتمال زیاد الان خود رژیم هم مخصوصا در بحث موساد دچار معضل از دست دادن اطلاعات اصلی خودش شده است.» این کارشناس بین‌الملل در پاسخ به اینکه هک این اطلاعات چه نسبتی با عملیات حماس دارد نیز گفت: «هک شدن و از کار افتادن دوربین‌های هشدار سریع باعث شد در اطراف حصار غزه هیچ هشداری منتقل نشود، یعنی عملا با ورود و گذر نیروهای حماس از حصار نوار غزه به شهرک‌ها هیچ هشدار جدی مخابره نشد. از دیگر موارد عدم واکنش گنبد آهنین به پرتاب پنج هزار موشک در سه ساعت اول حمله بود. مواردی از این دست همه به علت همین پک سایبری سراسری بود که هر سیستم نظامی را از کار انداخت. فقط سرقت اطلاعات نبود. کندی سیستم‌های هشدارهای نظامی و امنیتی و حتی از کار افتادن آنها هم مطرح بود که در لحظه نتوانستند هیچ پاسخ درخوری به اقدام حماس بدهند. این امر چه از جهت هشدار و چه از جهت مقابله به مثل مانند سیستم گنبد آهنین اتفاق افتاده است.»

پیش از این هیچ وقت سرویس‌های مرکزی رژیم صهیونیستی آماج حمله قرار نگرفته بودند

عبدی درباره تفاوت این حمله سایبری با دیگر حملات به اسرائیل و نهادها نیز توضیح داد: «اولین تفاوت در اهداف حمله است که معمولا هیچ هدفی برای حملات وجود نداشت. حملات نظامی مثل حمله به شرکت رافائل اتفاق افتاده اما هیچ وقت موساد یا حتی شاباک به این شکل آماده حمله نبوده است. مثلا نهایت اتفاقی که برای شاباک افتاده بود در دو سال گذشته بود که دوربین‌های امنیتی آن هک شد و بعد با اختلال شدید مواجه شد. هک دوربین‌های منزل رئیس موساد یا وزیر جنگ از دیگر حملاتی بود که در این سال‌ها اتفاق افتاد اما هیچ وقت سرویس‌های مرکزی آماج حمله قرار نگرفته بودند. این حمله هم از جهت حجم، عمق، اهداف و آماج اصلا با موارد گذشته قابل قیاس نیست. از همه مهم‌تر این است که علاوه بر سرقت کلیه اطلاعات سورورهای مرکزی آن اطلاعات معدوم هم شده‌اند، یعنی اگر غیر از اطلاعات سورورها و بک‌آپ اطلاعات جای دیگری ذخیره نشده باشد، نتوانستند آن را حفظ کنند و عملا با بحران مواجه خواهند شد.»

تاکتیک رسانه‌های صهیونیستی درباره حمله سایبری به زیرساخت‌های مرکزی اسرائیل

این کارشناس بین‌الملل در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که رسانه‌های صهیونیستی سعی کردند هک زیرساخت‌های مرکزی اسرائیل را کوچک نشان دهند و توضیح می‌دهد: «رسانه‌های جریان اصلی که وابسته به خود صهیونیست‌ها هست، سعی کردند اولین روایت را تولید کنند و در آن روایت هم دو تاکتیک به خرج دادند. یکی منتسب کردن این حمله به بیرون از نیروی مقاومت به خصوص روس‌ها بود. اعلام اینکه این کار روس‌ها بوده، اگر هم این کار مستقیما توسط روس‌ها انجام نشده است، در این قضیه روس‌ها هم ذی‌نفع بودند و تلاش کردند که کوچک نمایی کرده و کار مقاومت را عادی بدانند. از جهتی هم تاکتیک دوم، خفیف کردن این عملیات بی‌سابقه است و سعی می‌کنند آن را کوچک نشان بدهند، یعنی اولا اعلام کنند که عملیات ابعاد گسترده و وسیعی ندارد و در حقیقت ابعاد مهمی نداشته است. دوم اینکه آسیب‌های وارد شده محدود بوده و این آسیب‌ها الان جمع و ترمیم شده است. در صورتی که اینها همه‌اش کذب است. مثالا مدعی هستند که شرکت چک پوینت مایکروسافت این حمله را ترمیم و آسیب را رفع کرده است. در صورتی که خود سایت چک پوینت بالا نمی‌آید و خوابیده است. از ترس اینکه خودشان هم مورد حمله قرار نگیرند، چند وقتی است که سایت را خوابانده و هیچ کاری نمی‌کنند. اما برگمن به دروغ مدعی شده است که این شرکت مساله را برای اسرائیلی‌ها حل کرده است.»

وی در ادامه درباره اینکه چرا رسانه‌های داخلی ایران به این موضوع نپرداختند، نیز گفت: «نمی‌دانم علت دقیقش چیست. شاید ما درک و دریافت دقیق و کاملی نداریم و همه چیز را بیشتر عینی و انضمامی می‌بینیم و می‌خواهیم براساس چیز تعینی حرف بزنیم و چون این مساله چیزی نیست که تصویر بمباران، موشک، انفجار یا ترور برای آن استفاده کنید شاید توضیحش برای مخاطب خیلی سخت باشد. شاید هم برایشان غیرقابل باور باشد. آنها با الجزیره صحبت کرده بودند که پوشش دهند اما این رسانه هم جرات نکرد. می‌گفتند اگر این کار را انجام دهند اسرائیل ممکن است به آنها آسیب بزند. با المیادین هم صحبت شده بود اما پای کار نبودند. در رابطه با رسانه‌های داخلی اطلاعی ندارم.»

اسرائیل پشتوانه‌های اطلاعاتی خود را از دست داده است

عبدی در ادامه اشاره می‌کند که پوشش اخبار، عملا بروجهه امنیتی رژیم اثر می‌گذارد و توضیح می‌دهد: «عملا اسرائیل پشتوانه‌های اطلاعاتی خودش را از دست داده است. شما فکر کنید الان موساد که بانک اقساط داشته، اطلاعات این بانک سرقت شده و در سورورهای مرکزی نیز نابود شده است.»

عبدی در ادامه درباره رویکرد آنانیموس و پروژه‌هایی که در این مدت انجام دادند می‌پردازد و می‌گوید: «رویکردشان اندکی عمیق‌تر از گروه‌هایی مثل عصای موسی است. یعنی هم حرکت‌شان عمق بیشتری دارد و هم دقیق‌تر انجام شده و هم به نظر من اثرگذاری‌اش، بیشتر بوده است. کارهایی که گروه‌هایی مانند عصای موسی، مثل هک دوربین‌های امنیتی شاباک یا صنایع نظامی انجام دادند، عمق نفوذ و اثربخشی‌اش به مراتب خیلی بیشتر است. دیگر اتفاقی هم که رخ داده این است که اینها تنها آن سه سازمان را مورد حمله قرار نداده‌اند. عملا دو هلدینگ اصلی سایبری اسرائیل مانند اختاپوس تامین‌کننده امنیت سایبری نهادهای دولتی اسرائیل بودند. همین سیستم‌های امنیتی و نظامی هم تامین‌کننده امنیت سایبری صنایع نظامی اسرائیل به خصوص صنایعی که به فروش می‌رود یعنی سیستم‌های نظامی که آنها می‌فروشند، سیستم‌های پدافندهوایی، سیستم‌های راداری، سیستم‌های موشکی و هرگونه سیستمی که فروش می‌رود، تامین امنیت سایبری آنها با شرکت اختاپوس و یک شرکت دیگر است. این دو شرکت هم مورد آسیب جدی قرار گرفته‌اند و عملا تمام خریداران صنایع نظامی امنیتی اسرائیل که خریدهایشان تامین شده بود، به شدت آسیب‌پذیر شدند؛ چراکه اطلاعات کامل آنها همین الان هم در اختیار گروه‌های مقاومت است.»

عبدی درباره برخی حملات سایبری ایران که زیرساخت‌های مهمی را هدف قرار داده بود و توجه به این موضوع در بعد امنیتی و رسانه‌ای گفت: «بعد از حمله سایبری اتاکس نت در سال ۸۶-۸۵ آسیب جدی به ما وارد شده بود. اما حالا به این نقطه رسیدیم که عملا دشمن را زمین‌گیر کرده‌ایم. ما عملا با نسل سوم جنگ سایبری میان مقاومت و اسرائیل مواجه هستیم. آسیب‌پذیری برای جنگ اول بود که فضای آن هم مدنی‌تر بود. الان زمین ماست و دشمن عملا دچار ضعف شده است.»

چالش‌های جو بایدن برای پیروزی مجدد

وحید کیانی
خبرنگار

در میان اقلیت‌های قومی و نسل زد، کارنامه جو بایدن در حوزه اقتصادی و سیاست خارجی تعریفی نداشته و سن زیاد او نیز یک نقطه ضعف بزرگ محسوب می‌شود. اگر جو بایدن بخواهد در سال ۲۰۲۴ کاخ سفید را حفظ کند، مجبور است رأی دهندگان جوانی (خصوصا از اقلیت‌ها) که در دهه دوم زندگی خود به سر برده و ساکن ایالت‌های کلیدی، مانند جورجیا هستند را مجاب کرده تا به او رای دهند. از سال ۱۹۸۴ (به جز یک مورد)، رأی دهندگان جورجیا باعث پیروزی رئیس جمهور شده‌اند. در سال ۲۰۲۰، آنها به بایدن کمک کرده تا تنها با اختلاف ۰٫۲ درصدی آرای الکترال ایالت را به دست آورد و حالا بایدن در تلاش است تا برای دومین بار جوانان آنجا را به سمت خود بکشاند. البته به نظر می‌رسد که تا اینجای موفق عمل نکرده است.

داخل کمپین

جو بایدن تنها مورد تایید ۳۹٫۵ درصد از رأی دهندگان کشور بوده که از سال ۱۹۴۵، بدترین وضعیت انتخاباتی هر رئیس جمهور مستقری است که قصد پیروزی دوباره در انتخابات را دارد. بایدن و اطرافیانش اکنون یک سال فرصت دارند تا این ارقام چالش‌برانگیز را تغییر دهند. این وظیفه بر عهده دایره کوچکی از مشاوران مورد اعتماد او است که در یک ساختمان اداری بلند مرتبه در زادگاه بایدن در ایالت دلور مستقر شده‌اند. با وجود این آمارها، کمپین او آرام به نظر می‌رسد. یکی از اعضای کمپین انتخاباتی با اشاره به «عملکرد قوی» دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای گفت: «فکر نمی‌کنم نظرسنجی‌ها موثرترین ابزار سنجش رأی مردم باشد.»

با شروع کارزار انتخاباتی در ماه‌های آینده، انتظار می‌رود که تعداد بیشتری از معاونان مورد اعتماد بایدن از تیم کاخ سفید برای انتخاب مجدد او به کمپین راه پیدا کنند. در شش سپتامبر گریس لندریو، مشاور ارشد سیاست اقتصاد و کار کاخ سفید به عنوان مدیر سیاست بایدن معرفی شد. انتصاب او نشان‌دهنده تمرکز بایدن بر این‌گونه مسائل است. پس از سه سال ریاست جمهوری با تورم بالاکه پس‌انداز رأی دهندگان را تضعیف کرده و بودجه خانوار را تحت فشار قرار داده است، دستیاران او تردیدی ندارند که یک پیام اقتصادی موفق برای موفقیت او حیاتی است.

اقتصاد؛ اولویت اصلی رأی دهندگان

نظرسنجی نشریه تلگراف در ماه گذشته نشان داد در ایالت‌های کلیدی آریزونا، جورجیا، فلوریدا، پنسیلوانیا، میشیگان و کارولینای شمالی، اقتصاد اولویت اصلی رأی دهندگان است. اکثریت هر شش ایالت نیز گفتند که وضعیت مالی آنها در سال گذشته بدتر شده است. فیلیپ ون شلتینگا که این تحقیق را انجام داد، گفت: «مطمئنا رأی دهندگان سیاست‌های بایدن را در افزایش تورم دخیل می‌دانند. حتی اگر تورم کاهش یابد، آنها همچنان احساس می‌کنند که هزینه‌ها نسبت به قبل افزایش یافته و غلبه بر آن برای هر نامزدی دشوار است. حتی اگر رشد دستمزدها از تورم پیشی بگیرد، پس‌اندازها همچنان تحت فشارند.» در حالی که اکنون تورم به ۳٫۷ درصد کاهش یافته است، بایدن تلاش می‌کند تا با صحبت درمورد ترکیب منحصربه‌فرد خود از یارانه‌های دولتی، مقررات بازار کار و سرمایه‌گذاری در آموزش، روایت اقتصادی کشور را کنترل کند.»

رئیس جمهور قانونی را تصویب کرده که ۴۲۲ میلیارد دلار به انرژی سبز و صنایع تولیدی نیمه‌هادی‌ها و ۱٫۲ تریلیون دلار به زیرساخت‌های عمومی سرازیر می‌کند. کاخ سفید معتقد است این هزینه‌ها با تقویت قدرت تولیدی و صنعتی آمریکا، جایگزین اقتصاد «از بالا به پایین» شده و مناطق تولیدی در ایالت‌های شمال شرقی را به دوران اوج خود بازمی‌گرداند. برچسب «اقتصاد بایدنی» (بایدنامیکس) که توسط روزنامه محافظه‌کار وال‌استریت ژورنال به این پروژه داده شد، اکنون به تکیه‌کلام رئیس جمهور در سخنرانی‌های سیاسی‌اش تبدیل شده است. برای ستاد انتخاباتی‌اش این سیاست نیز راهی برای جلب حمایت کارگران ایالت‌های کلیدی میشیگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین است. هر سه در سال ۲۰۲۰ از بایدن حمایت کردند اما با اختلاف کمتر از سه درصد. تقریبا در هر سخنرانی اقتصادی بایدن، او از «رشد اقتصاد از میانه به پایین و پایین به بالا به جای رشد از بالا به پایین» صحبت می‌کند و معتقد است که «وقتی طبقه متوسط خوب عمل کند، فقرا فرصتی برای پیشرفت دیده و ثروتمندان نیز وضعیت خوبی خواهند داشت.» اگرچه ممکن است تمرکز بایدن بر اقتصاد ضروری باشد، اما این یک ریسک نیز وجود دارد. برخلاف بسیاری از انتخابات دیگر در تاریخ ایالات متحده، رقیب رئیس جمهور کنونی سابقه خوبی در کاخ سفید برای متقاعد کردن رأی دهندگان دارد. در آخرین گردهمایی‌های خود، ترامپ بخش قابل توجهی از سخنرانی‌های خود را صرف صحبت در مورد اقتصاد کرده و ادعا می‌کند در طول دوران ریاست جمهوری خود، میلیون‌ها شغل بیشتر نسبت به بایدن ایجاد کرده است. ترامپ که تا حد زیادی پیشتاز رقابت‌های درون حزبی جمهوری‌خواهان است، همچنین دوست دارد که کارنامه خود در زمینه دیپلماسی خارجی را تبلیغ کند که به گفته او می‌توانست از جنگ در اوکراین و غزه جلوگیری کند.

بدبینی جوانان نسبت به سیاست خارجی بایدن

آخرین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اکنون کمتر از نیمی از آمریکایی‌ها با ارسال تسلیحات به اوکراین موافقند که بیشترین کاهش را در میان دموکرات‌ها دارد. خاورمیانه همچنین چالشی انتخاباتی برای بایدن ایجاد کرده است. اگرچه آمریکایی‌ها بیشتر از اسرائیل حمایت می‌کنند، اما بیشترین حمایت از فلسطینی‌ها در میان رأی دهندگان اصلی دموکرات‌ها دیده می‌شود. در حالی که ۵۹ درصد از آمریکایی‌های عرب‌تبار در سال ۲۰۲۰ از بایدن حمایت کردند، تنها ۱۷ درصد می‌گویند که اکنون به او رأی خواهند داد. این امر درد سر زیادی برای مبارزات انتخاباتی بایدن در ایالت‌های کلیدی میشیگان، اوهایو و پنسیلوانیا ایجاد می‌کند که جمعیت مسلمان زیادی دارند. برای اولین بار از سال ۱۹۹۷، اکثریت رأی دهندگان عرب آمریکایی خود را دموکرات نمی‌دانند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد جوانان نیز نسبت به رویکرد مداخله‌جویانه سیاست خارجی بایدن مردد هستند.

از کار افتادگی بایدن

به دنبال یک سری گاف‌های عجیب، از جمله اشاره به «عجایب ۹ گانه جهان» و اشتباه خطاب کردن ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا به عنوان «آقای رئیس جمهور»، نگرانی‌ها درمورد سن بایدن را افزایش داده است. بیش از سه چهارم آمریکایی‌ها فکر می‌کنند بایدن برای بار دوم بیش از پیش پیر است. به طور خصوصی دستیاران او نگرانند که ممکن است او در یک رویداد مبارزات انتخاباتی روی صحنه آمده و به خاطر تحقیر عمومی یا مشکلات سلامتی، به نامزدی خود پایان دهد. کارلین بومن، تحلیلگر افکار عمومی در موسسه «امریکن انترپرایز» گفت بایدن با چالش خاصی برای جذب لیبرال‌های جوانی که او را رئیس جمهوری مسن و بی‌تحرک می‌دانند، روبه‌رو است.

او می‌گوید: «جوانان خواهان اقدام هستند. آنها می‌خواهند کارها سریع‌تر انجام شود؛ چه در مساله جنبش «جان سیاهان مهم است»، چه در مساله تغییرات اقلیمی یا در هر موضوع دیگری. بنابراین احتمالا از نظر آنها بایدن کار زیادی انجام نداده است.» بومن افزود: «اگر تورم بالا بماند، اگر بایدن زمین بخورد، اگر اوضاع در سطح ملی در همه جبهه‌ها بدتر شود، ممکن است جوانان رأی ندهند؛ بنابراین کمپین بایدن باید از این مورد بسیار نگران باشد.» دستیاران کمپین انتخاباتی رئیس جمهور باور دارند در حالی که بعید است بحران خاورمیانه تا نوامبر سال آینده و موعد انتخابات در سرفصل‌های خبری باقی بماند، کاهش حمایت جوانان ریسک زیادی را به همراه دارد. یکی از منابع آگاه با اشاره به برنامه‌ای که روی رأی دهندگان جوان ایالت کلیدی ویسکانسین متمرکز است، گفت: «ما از نیاز به سرمایه‌گذاری زودهنگام و ایجاد انگیزه برای آنها بسیار آگاه هستیم.» به عقیده دست‌اندرکاران کمپین بایدن، حوزه جذب جوانان به تبلیغات هدفمند، برنامه‌های اطلاع‌رسانی و سازماندهی محلی برای ایجاد انگیزه در جمعیتی که احتمالا در انتخابات مشارکت نخواهند کرد، نیاز دارد.

رأی رنگین‌پوستان تضمین‌شده نیست

در هفته‌های اخیر، کمپین بایدن تبلیغات تلویزیونی ۲۵ میلیون دلاری را در ایالت‌های کلیدی راه‌اندازی کرده تا به مسائلی که ممکن است کمپین در آن دچار مشکل شود، پرداخته باشد. در صدر فهرست می‌توان عناوین اقتصاد، جنگ اوکراین و دغدغه‌های اقلیت‌ها را مشاهده کرد. تبلیغی که روز شنبه در یک بازی راگبی پخش شد، نشان داد کمپین بایدن «به نفع سیاه‌پوستان آمریکا کار کرده» و سیاست‌های دولت در مورد تامین مالی مشاغل سیاه‌پوستان، برابری نژادی و مراقبت‌های بهداشتی را برجسته کرد. به گفته یکی از کارکنان کمپین بایدن، این بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری در رسانه‌های سیاه‌پوستان در تاریخ مبارزات انتخاباتی است.

تبلیغات انتخاباتی جداگانه نیز در هفته‌های آینده در ایستگاه‌های رادیویی که تعداد زیادی شنونده سیاه‌پوست دارند، منتشر می‌شود و فاز بعدی آن در ایالت کلیدی ویسکانسین آغاز خواهد شد. یکی از دستیاران رئیس جمهور می‌گوید: «کمپین بایدن بسیار آگاه است که نباید رأی اقلیت‌های قومی را تضمین شده بدانیم. در رقابت‌های گذشته، دموکرات‌ها در آخرین لحظه برای جذب رأی آنها اقدام کردند. این برعکس کاری است که ما اینجا انجام می‌دهیم.» اما با گذشت یک سال از آغاز کمپین انتخاباتی بایدن، یک سوال کلیدی باقی می‌ماند: آیا مردم آمریکا هنوز به او اعتقاد دارند؟